

به نام پروردگار یکتا

علم تربیت در ایران

بازخوانی انتقادی نود سال آموزش علوم تربیتی در
کشور

دکتر روح‌الله شهابی

ویرایش صوری: منا رجیب‌فرد

صفحه‌آرا: جابر شیخ‌محمدی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، ۱۳۹۹

علم تربیت در ایران

بازخوانی انتقادی نود سال آموزش علوم تربیتی در کشور

دکتر روح‌الله شهابی

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
محفوظ است.

تهران، صندوق پستی ۶۴۱۹-۱۴۱۵۵

تلفن: ۳-۸۸۰۴۶۸۱، دورنگار: ۸۸۰۳۶۳۱۷

تارنما: www.ihcs.ac.ir، رایانامه: info@ihcs.ac.ir



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

فهرست مطالب

سخن پژوهشگاه.....	۷
مقدمه.....	۱۳
فصل یکم: علوم تربیتی؛ معنا، ماهیت و شکل‌گیری	
چیستی علوم تربیتی.....	۱۹
معنای تربیت.....	۱۹
علمیت تعلیم و تربیت.....	۲۰
استقلال‌داشتن یا استقلال‌نداشتن علوم تربیتی.....	۲۲
پدیدآیی علوم تربیتی به‌عنوان یک رشته دانشگاهی.....	۲۷
آیا این تنش‌ها مختص علوم تربیتی هستند؟.....	۳۳
نام‌گذاری رشته علوم تربیتی.....	۳۵
جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.....	۳۹
فصل دوم: بستر تاریخی و فرهنگی تأسیس رشته علوم تربیتی در دانشگاه‌های ایران	
مقدمه.....	۴۱
بستر تاریخی و فرهنگی.....	۴۲
۱. دارالفنون و پیامدهای تربیتی آن.....	۴۲
۲. تحولات فرهنگی و اجتماعی حدفاصل تأسیس دارالفنون تا مشروطیت.....	۴۸
۳. اعزام دانشجویان به اروپا و تشکیل هسته اصلی دانشگاه توسط فارغ‌التحصیلان.....	۵۵
۴. مشروطیت و پیامدهای فرهنگی آن.....	۶۱
جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.....	۶۳

۴ علم تربیت در ایران

فصل سوم: تأسیس و روند توسعه رشته علوم تربیتی در ایران

مقدمه.....	۶۶
مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی.....	۷۶
تکنولوژی آموزشی.....	۸۰
آموزش و پرورش پیش‌دبستانی و دبستانی.....	۸۷
دوره کارشناسی ارشد.....	۸۹

فصل چهارم: زمینه فلسفی و مبانی معرفت‌شناختی رشته علوم تربیتی

مقدمه.....	۹۱
دوره یکم: پارادایم اثبات‌گرایی / یادگیری رفتارگرایانه.....	۹۳
تحولات تربیتی ایران در دوره یکم.....	۹۷
دوره دوم؛ پارادایم تفسیری / یادگیری شناختی.....	۱۰۱
تحولات تربیتی ایران در دوره دوم.....	۱۰۴
دوره سوم؛ پارادایم انتقادی / یادگیری سازنده‌گرایی.....	۱۰۸
تحولات تربیتی ایران در دوره سوم.....	۱۱۱

فصل پنجم: پیشگامان و افراد تأثیرگذار بر علوم تربیتی در ایران

مقدمه.....	۱۱۷
پیش از انقلاب اسلامی.....	۱۲۵
دکتر عیسی صدیق اعلم.....	۱۲۵
دکتر محمدباقر هوشیار.....	۱۳۰
پس از انقلاب اسلامی.....	۱۳۶
دکتر علی محمد کاردان.....	۱۳۶
دکتر غلامحسین شکوهی.....	۱۴۱
دکتر علی شریعتمداری.....	۱۴۸
دکتر سید علی‌اکبر حسینی.....	۱۵۳

فهرست مطالب ۵

فصل ششم: مهم‌ترین نهادهای علمی مرتبط با علوم تربیتی کشور

مقدمه.....	۱۵۵
انجمن‌های علمی مرتبط با علوم تربیتی.....	۱۵۹
انجمن ایرانی تعلیم و تربیت.....	۱۵۹
انجمن پژوهش‌های آموزشی ایران.....	۱۶۰
انجمن مطالعات برنامه‌درسی ایران.....	۱۶۱
انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران.....	۱۶۲
انجمن مدیریت آموزشی ایران.....	۱۶۳
انجمن آموزش و پرورش تطبیقی.....	۱۶۴
انجمن جامعه‌شناسی آموزش و پرورش.....	۱۶۵
کارکردهای انجمن‌های علمی علوم تربیتی.....	۱۶۵
چالش‌های فراروی انجمن‌های علمی علوم تربیتی.....	۱۶۹
پژوهشگاه و پژوهشکده‌ها.....	۱۷۰
پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.....	۱۷۰
مرکز ملی آموزش بزرگسالان.....	۱۷۱
مؤسسه تحقیقات تربیتی.....	۱۷۲

فصل هفتم: آثار علمی تولیدشده در حیطه علوم تربیتی در ایران

مقدمه.....	۱۷۴
بررسی کتاب‌های منتشرشده.....	۱۷۷
پایان‌نامه.....	۱۹۰

فصل هشتم: مرور انتقادی برنامه‌های درسی رشته علوم تربیتی

مقدمه.....	۱۹۴
پیش از انقلاب اسلامی.....	۱۹۶
اولین برنامه درسی رشته علوم تربیتی پس از پیروزی انقلاب.....	۲۰۱
ویژگی‌های برنامه‌های آموزشی علوم تربیتی: بررسی انتقادی.....	۲۰۳
دومین برنامه درسی رشته علوم تربیتی پس از پیروزی انقلاب.....	۲۰۶

۶ علم تربیت در ایران

- ویژگی‌های برنامه‌درسی جدید: بررسی انتقادی..... ۲۰۸
- بازنگری دوم در برنامه‌درسی رشته‌علوم تربیتی پس از پیروزی انقلاب..... ۲۱۴
- ویژگی‌ها و بررسی انتقادی..... ۲۲۰

فصل نهم: اشتغال و مهارت‌آموزی در حیطه‌علوم تربیتی

- مقدمه..... ۲۲۳
- وضعیت اشتغال فارغ‌التحصیلان رشته‌علوم تربیتی در ایران..... ۲۲۶
- بررسی انتقادی برنامه‌درسی رشته‌علوم تربیتی..... ۲۳۱
- چه باید کرد و چگونه؟..... ۲۴۰
- مهارت‌های اشتغال‌پذیری..... ۲۴۱
- نقش دانشگاه‌ها..... ۲۴۳
- آیا دانشگاه‌ها امکان ارتقای اشتغال‌پذیری دارند؟..... ۲۴۵
- مروری بر الگوهای اشتغال‌پذیری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی..... ۲۴۷
- برنامه‌درسی دانشگاهی- اشتغال..... ۲۵۶
- برنامه‌درسی مبتنی بر شایستگی؛ چارچوب‌های نظری..... ۲۵۶
- پیشنهاد الگوی نهایی..... ۲۶۳
- گام اول: احصاء زمینه‌های شغلی..... ۲۶۳
- گام دوم: شناسایی شایستگی‌های مرتبط..... ۲۶۷
- گام سوم: آموزش شایستگی‌ها..... ۲۷۴
- سایر پیشنهادها..... ۲۷۸
- فهرست منابع..... ۲۸۳
- نمایه (فهرست اسامی)..... ۲۹۹

سخن پژوهشگاه

کتاب حاضر یکی از آثار برگرفته از طرح جامع اعتلای علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور است که اکنون به محضر ارباب معرفت تقدیم می‌گردد.

طرح جامع اعتلا مجموعه پروژه‌هایی به هم پیوسته و مسئله‌محور است که بر مبنای منشور پژوهشگاه در سال‌های اخیر مبنی بر درپیش گرفتن رهیافت بومی و کاربردی‌سازی علوم انسانی شکل گرفته و برپایه خردجمعی و تعاطی افکار خبرگان، نخست طی یک سال و نیم، از گذرگاه انجام فاز مطالعاتی و تدوین RFP عبور کرده سپس وارد اجرای طرح‌ها شده است.

این طرح کلان برپایه این منطق شکل گرفت که برای بومی‌سازی و کاربردی‌سازی علوم انسانی لازم است سه مقوله مهم به صورت متمایز کاویده شوند و نهایتاً از همه طرح‌ها تلفیق صورت گیرد.

۱. مبانی و ریشه‌های علوم انسانی جدید ارزیابی و نقد شوند. (کارگروه مبانی)

۲. قلمرو و فرایند شکل‌گیری و سیر تاریخ ورود و استقرار این رشته‌ها در ایران نظر افکننده شود و نقد گردد. (کارگروه بازشناسی انتقادی و تاریخ)

۳. شیوه‌ها و مظاهر کاربردی آن‌ها و تعامل این رشته‌ها با جامعه ایران در چرخه ارزیابی و تحلیل قرار گیرد. (کارگروه کاربردی)

از گذرگاه این کندوکاوها، اتصال یا عدم پیوند آن با گنجینه های میراثی و تناسب یا تغایر احتمالی آن ها نسبت به نیازهای جامعه امروز روشن می شود. از سوی دیگر، این طرح ها با تکیه بر میراث های فرهنگ بومی و دینی و با پشتوانه بهره گیری از مطالعات جهانی و ملی و به صورت شبکه برنامه محصول گرا و هم افزایانه شکل یافته اند و با رویکرد بین رشته ای و با مشارکت محققان توانای پژوهشگاه و صاحب نظران سرآمد سطح ملی تدوین شده اند.

امید می رود با انجام این طرح ها یکی از آرمان های انقلاب اسلامی مبنی بر استقلال فکری و رهنمودهای حضرت امام خمینی و مقام معظم رهبری در این باره پی جویی شود. طرح های اعتلا برای تحقق هدف یادشده با رویکرد ایجاد پیوند میان نظریه و عمل، می کوشد تا اثربخشی و سودمندی علوم انسانی را معطوف به پیشرفت کشور مبنی بر مؤلفه های بومی گرای متعین نماید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در مسیر تحقق بخش هایی از اسناد بالادستی و پی جویی مأموریت ویژه هیئت امناء و با مساعدت سازمان برنامه و بودجه، طرح اعتلا را برای استقرار عینی شبکه نخبگانی علوم انسانی کشور طراحی کرده و به اجرا درآورده است.

پژوهشگاه به فضل الهی در نظر دارد به تدریج پس از انتشار مجلدات حاضر در این مرحله و هم زمان با متنوع سازی نشر محصولات طرح ها (از طریق گزارش های راهبردی، توصیه های سیاسی، گزارش های علمی ملی، بسته های خدمات تخصصی و مشاوره ای، جستارهای علمی و فنی، مقاله های علمی - پژوهشی، علمی - تخصصی، هم اندیشی های نخبگانی و سخنرانی های علمی و...) مابقی نتایج پژوهش ها را نیز به صورت کتاب آماده نشر سازد.

سخن پژوهشگاه ۹

اصولاً یکی از شاخص‌های مهم که می‌تواند نشانه توفیق یک نهاد پژوهشی، به‌ویژه در قلمرو علوم انسانی باشد، اجرای طرح‌های شاخص، هم‌گرا، مسئله‌مند و ناظر به چالش‌های اجتماعی و اثرگذار در عرصه سیاست‌گذاری‌هاست که بتواند در شرایط کنونی در حقیقت مؤسسه پژوهشی را به جرگه نسل چهارم نهادهای علمی وارد سازد. تعریف و اجرای طرح اعتلا به همین منظور در مسیر تحقق قسمتی از چشم‌انداز و مأموریت روشن پژوهشگاه، مندرج در برنامه توسعه راهبردی آن، به‌شمار می‌آید که برای نخستین بار در تاریخ پژوهشگاه برنامه توسعه تعریف و اجرا شده است و بخشی از دستاوردهای آن کتاب‌های مجموعه طرح‌های اعتلای علوم انسانی است.

در فرایند تعریف و اجرای طرح جامع اعتلا، به لطف الهی، فرصت ارتقای کیفیت علمی طرح‌ها و توانمندسازی و تقویت زیرساخت‌ها در پژوهشگاه دوچندان شده است، چنان‌که طی این سال‌ها و به موازات اجرای این طرح کلان، مشارکت بالنده تعداد کثیری از اعضای محترم هیئت علمی در اجرای طرح مذکور و رسیدن تولید سرانه علم به رشد بیش از دو برابری و رشد بیش از پنج برابری نقد متون دانشگاهی و رشد فزاینده تولید و نشر مقالات و جستارهای انتقادی و انتشار فصل‌نامه‌های با کیفیت پژوهشی، برنده شدن سه سال پیاپی در جشنواره نقد سال و برگزیده شدن مکرر در جشنواره بین‌المللی فارابی و ده‌ها جشنواره ملی دیگر، صعود بیش از چهارصد پله‌ای پرتال در رده‌بندی جهانی الکسا، تأسیس قطب علمی، ارائه نظریه علوم انسانی در سطح ملی و رشد چشمگیر فعالیت‌های حوزه ترویجی‌سازی علم و تحقق شبکه نخبگانی سه‌هزار نفره متشکل از استادان صاحب‌نظر از سراسر کشور، شواهدی از این ظرفیت‌سازی و ارتقای توانمندی به‌شمار می‌آید.

بدیهی است با همهٔ مزیت‌های این مجموعه طرح‌ها و آثار، بخش‌هایی از این کتاب‌ها خالی از خلل و عاری از کاستی نباشد، یقیناً اهل نظر با نقد ناصحانه و راهنمایی‌های راهگشای ایجابی خود پژوهشگاه را برای قوام و مایه‌وری بیشتر این آثار در چاپ‌های بعدی مدد خواهند رساند.

در پایان، ضمن سپاسگزاری به درگاه حق‌تعالی و ابراز مسرت از پی‌جویی دغدغهٔ استاد زنده‌یاد دکتر صادق آیینه‌وند (ره) در منشور ایشان مبنی بر «اتصال به ریشهٔ انطباق با زمان» یادآور می‌شود این مجموعه مرهون حمایت وزیران محترم جناب دکتر فرجی‌دانا، دکتر فرهادی و دکتر غلامی و اعضای محترم هیئت محترم امنا و سازمان برنامه و بودجه و نمایندگان محترم ذی‌ربط مجلس شورای اسلامی از یک‌سو و اهتمام همهٔ همکاران طرح جامع اعتلا، شامل اعضای محترم شورای پژوهشی پژوهشگاه، کمیتهٔ علمی طرح اعتلا، جانشین رئیس و رئیس دبیرخانهٔ طرح اعتلا، مجریان محترم طرح‌ها، مدیران کارگروه‌ها، شورای مشاوران، اعضای محترم کارگروه‌های تخصصی و کلیهٔ محققان و ناظران علمی و داوران طرح‌های پژوهشی و کارشناسان از سوی دیگر است. لذا سزاوار به نظر می‌رسد سپاسگزار همهٔ آنان باشیم؛ به‌ویژه جناب آقای دکتر سیدمحمدرضا امیری طهرانی‌زاده، سرکار خانم دکتر طاهره کمالی‌زاده، جناب آقای دکتر یحیی فوزی، جناب آقای دکتر علیرضا ملایی‌توانی، جناب آقای دکتر مهدی معین‌زاده، جناب آقای دکتر عبدالرحمن حسنی‌فر، جناب آقای دکتر حمید تنکابنی، جناب آقای مهندس فرامرز حق‌شناس، جناب آقای دکتر فرهاد زیویار، جناب آقای دکتر عباس خلجی، جناب آقای دکتر عبدالله قنبرلو، جناب آقای دکتر سیدمحمدرحیم ربانی‌زاده، جناب آقای دکتر سیدسجاد علم‌الهدی، جناب آقای دکتر سیدمحسن علوی‌پور، جناب آقای محمدعلی مینایی، جناب

آقای بهرنگ ذوالفقاری و تمامی اعضای محترم شورای دبیرخانه و مشاوران و کارشناسان محترم طرح. همچنین باید از جناب آقای دکتر یدالله رفیعی مدیر محترم نشر و همه همکاران گرامی ایشان در انتشارات پژوهشگاه تشکر کنم. اگرچه بزرگان و مفاخر و اعضای معزز هیئت علمی فراوان دیگری در بخش های گوناگون و در مراحل مختلف مدرسان بودند که ذکر نام این شخصیت ها و محققان، که بیش از صد تن را شامل می شود، متأسفانه در این مجال اندک میسر نیست.

امید می رود به لطف خداوند این حرکت فرخنده پژوهشی و علمی بتواند ضمن تقویت اثربخشی علوم انسانی و پیوند پژوهش و اجرا در کشور، راهگشای بهره برداری بیشتر از ظرفیت های علوم انسانی به شمار آید و انتشار مجلدات بعدی گزارش های طرح اعتلا گامی در مسیر پیشرفت و بالندگی ایران اسلامی باشد.

حسینعلی قبادی

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

و

رئیس طرح اعتلای علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور

مقدمه

در نگاه به ماهیت علوم انسانی، به طور عام، سه پارادایم متفاوت مورد توجه قرار گرفته است؛ در پارادایم تبیینی، انسان و جامعه بخشی از طبیعت دیده شده است که نظامی قانون وار و علی بر مناسبات آن‌ها حاکم است. در واقع در این پارادایم، علوم انسانی بر روند تبیینی خاصی، آن‌گونه که در علوم طبیعی مورد استفاده قرار می‌گیرد، استوار است. در پارادایم دوم یا تفسیری، به انسان و جامعه به مثابه متنی مکتوب نگریسته شده است که می‌بایست با کمک بازسازی خلاق معنا را از درون آن بیرون آورد. دیدگاه سوم معتقد است قانع بودن به فهم یک عمل انسانی آن‌گونه که در پارادایم دوم مدنظر است آدمی را از نقد و تصحیح باز می‌دارد. لذا در این پارادایم، انسان از یک سو مانند متنی مکتوب دیده شده است که می‌بایست ماهیتش معناکاو شود و از سوی دیگر نقد اعمال آدمیان و پدیده‌های اجتماعی ضروری دیده شده است (حسنی، ۱۳۸۵).

این دشواری در فهم چیستی و ماهیت علوم انسانی به تعریف چیستی و ماهیت موضوع‌های علوم انسانی نیز تعمیم یافته است و به همین دلیل در تعریف علوم تربیتی، به عنوان یکی از موضوع‌های علوم انسانی، اتفاق نظر وجود ندارد. برخی، مبتنی بر پارادایم اول، آن را مشاهده، واری، مقایسه و آزمایش‌هایی دانسته‌اند که درباره وقایع تربیتی به عمل آمده و ارائه می‌شوند تا قوانینی را به دست دهند که در همه حال و بر اثر اثبات، صحت آن‌ها امکان‌پذیر باشد. برخی، تا حدودی مبتنی بر پارادایم دوم،

آن را پداگوژی نامیده و در تعریف، آن را بحث و مجادله دربارهٔ اصول و روش‌های آموزش و پرورش دانسته‌اند (کاردان ۱۳۵۵: ۷۶) و برخی دیگر آن را مجموعهٔ معارفی دانسته‌اند که شرایط وجود، کارکرد و تحول وضعیت و وقایع تربیتی را مطالعه می‌کند (میلازه ۱۳۹۴: ۲۲).

فارغ از اینکه با کدام پارادایم و با چه تعریف ماهوی به علوم تربیتی بنگریم، در یک نگاه مبتنی بر موضوع، میلازه (همان: ۳۱-۷۲) رشتهٔ علوم تربیتی را به سه دسته گرایش تقسیم کرده است: الف) علمی که شرایط عمومی و بومی تعلیم و تربیت را مطالعه می‌کنند، مانند تاریخ آموزش و پرورش، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، اقتصاد آموزش و پرورش، مدیریت آموزشی و آموزش و پرورش تطبیقی؛ ب) علمی که اوضاع تربیتی را چنان‌که هستند مطالعه می‌کنند، مانند روش تدریس، تکنولوژی آموزشی و علوم مربوط به ارزشیابی؛ و ج) علوم مربوط به تفکر دربارهٔ تربیت و آیندهٔ آن، مانند فلسفهٔ آموزش و پرورش. این گرایش‌ها اگرچه دارای ویژگی‌های مشترکی، مانند پژوهش‌مداری (تأکید بر مطالعهٔ تربیت به صورت منظم و روشمند)، تخصص‌گرایی (برخورد تخصصی با جنبه‌های معین تربیت با استفاده از دستاوردهای رشته‌های علمی مرتبط)، پرهیز از یک‌سونگری (تأکید بر مطالعهٔ تربیت به عنوان پدیده‌ای چندوجهی در مجموعه‌ای از رشته‌های علمی)، نظریه‌پردازی (بررسی فرایند تربیت به گونه‌ای نظری و در سطحی نسبتاً انتزاعی و عام) و استقلال (تناسب مفروضات، اهداف و روش‌های پژوهشی با خصوصیات تربیت و پذیرش هویتی مستقل برای مطالعهٔ تربیت است) هستند (اعرافی و موسوی ۱۳۹۰: ۶۵)؛ اما در مورد اینکه این گرایش‌های مختلف یک مجموعهٔ دانش هستند، که شاخص‌های دانش، روش‌شناسی و هدف واحد دارند یا هر یک دارای هویتی مستقل و متمایز هستند، دو دیدگاه کلی وجود دارد: برخی بر

هویت جمعی علوم تربیتی تأکید دارند و آن را با عنوان «مجموعه معارف» تعریف می‌کنند و منظور از چند رشته‌بودن را همکاری متخصصان رشته‌های مختلف در تحلیل پدیده‌های تربیتی دانسته‌اند، ولی برخی دیگر آن را مجموعه‌ای از رشته‌های علمی به‌هم‌پیوسته در حوزه علوم انسانی و اجتماعی با هویتی مستقل دیده‌اند که در راستای شناخت و هدایت فرایند تربیت، مطالعه منظم، تخصصی و نظری همه‌جانبه تربیت را بر عهده دارد (همان: ۶۰؛ میالاره ۱۳۹۴: ۷۴).

بر این مبنا، یک سؤال اساسی در اینجا مطرح می‌شود: موضع علوم تربیتی در کشور ما از حیث موضوعات کلی یادشده در بالا و گذشته، حال و آینده آن چگونه است؟ به نظر می‌رسد، در کشور ما عملکرد «تربیت» و یا آموزش و پرورش فرایند تغییر مطلوب رفتار آدمی دیده شده است و براین اساس «دانش آموزش و پرورش» و یا «علوم تربیتی» مجموعه معارفی است که محصول پژوهش و اندیشیدن راجع به امور مربوط به این عملکرد یا فرایند است (گروه علوم تربیتی سمت، به نقل از جمعی از نویسندگان ۱۳۹۴: ۱).

دوره نخست آموزش علوم تربیتی در ایران را می‌توان یک دوره کوتاه‌مدت از تأسیس «دارالمعلمین مرکزی» در سال ۱۲۹۸ هجری شمسی تا سال ۱۳۱۳ تأسیس دانشگاه تهران دانست. اگرچه پیش از آن، دارالفنون نیز تأسیس شده بود، ولی در آن پیاده‌نظام، توپخانه، طب و جراحی، مهندسی، فیزیک، شیمی، داروسازی، معدن‌شناسی و سواره‌نظام آموزش داده می‌شد؛ ولی با تأسیس دارالمعلمین مرکزی، تربیت و تأمین معلمین مدارس ابتدایی و متوسطه که تازه تأسیس شده بودند مدنظر قرار گرفت و در آن تدریس اصول آموزش و پرورش و روان‌شناسی به‌عنوان نخستین گام‌های آموزش علوم تربیتی در کشور آغاز شد. در سال ۱۳۰۸، دارالمعلمین مرکزی به «دارالمعلمین عالی» تبدیل شد (محمودیان،

۱۳۹۰). تأسیس دانشگاه تهران، در سال ۱۳۱۳، را می‌توان شروع دوره دوم آموزش علوم تربیتی در کشور دانست که تا پیروزی انقلاب اسلامی تداوم داشته است. دانشکده ادبیات یکی از شش دانشکده مصوب این دانشگاه در آغاز تأسیس بوده است که دو رشته «ادبیات فارسی» و «فلسفه و علوم تربیتی» از همان آغاز در آن آموزش داده می‌شد و دارای عضو هیئت‌تعلیماتی در رشته علوم تربیتی، بزرگانی نظیر اسدالله بیژن و علی‌اکبر سیاسی، بوده است. این روند تا سال ۱۳۴۴ و استقلال دانشکده علوم تربیتی ادامه یافت (وبسایت دانشگاه تهران و دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران، ۱۳۹۵). این استقلال هم‌زمان با استقلال آموزش علوم تربیتی از آموزش فلسفه بود. براین اساس کشور ما پیش از کشورهای پیشرفته‌ای، مانند فرانسه، به علوم تربیتی جنبه دانشگاهی داده است.^۱

تأسیس دانش‌سراهای مقدماتی و مراکز تربیت معلم و آموزش رشته‌های علوم تربیتی در سایر دانشگاه‌های تازه تأسیس کشور، مانند دانشگاه شیراز، از مهم‌ترین تحولات این دوره بوده است. دوره سوم از پیروزی انقلاب اسلامی آغاز و تاکنون ادامه داشته است. در این دوره، با پیروزی انقلاب اسلامی، در مسیر آموزش و پژوهش علوم انسانی، در کشور، تحولات گسترده‌ای از حیث روش، موضوعی و معرفتی اتفاق افتاده است که شاید مهم‌ترین آن توجه به تعلیم و تربیت اسلامی و تغییر هدف غائی آموزش و پرورش بوده است. در این دوره، با بازنگری و بازسازی برنامه‌های درسی دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد علوم تربیتی، دگرگونی‌های وسیعی صورت گرفته است. با این حال آنچه می‌بایست مورد بررسی قرار گیرد و آن را می‌توان هدف کلی اثر حاضر قلمداد کرد بررسی برنامه آموزشی این رشته و سیر تحول آن، روند

۱. علوم تربیتی از سال ۱۹۶۷، مطابق با ۱۳۴۶ ش، وارد دانشگاه‌های فرانسه شده است (میلاره ۱۳۹۴: ۴).

پژوهشی، مبانی فکری و معرفتی، مناسبات آن با تحولات کشور و رهیافت‌های علمی مطالعه این رشته در طی سه دوره تاریخی یاد شده است. برخی از بخش‌های اثر نیازمند اخذ راهنمایی و مشورت از متخصصین بود و به همین دلیل برای تعداد زیادی از اعضای هیئت علمی رشته علوم تربیتی نامه الکترونیکی ارسال شد و ضمن شرح اهداف پژوهش از آن‌ها خواسته شد فرصتی در اختیار نگارنده قرار دهند تا از راهنمایی‌هایشان بهره گرفته شود. باین حال متأسفانه، هیچ‌یک پاسخگوی نامه نبودند. مجدداً از دانشجویان و همکاران ارجمند تقاضا دارم چنانچه در مورد هر یک از بخش‌های کتاب نظر یا پیشنهادی دارند آن را به آدرس پست الکترونیکی زیر ارسال کنند.

لازم می‌دانم از جناب آقای دکتر محمدرضا بهرنگی که نظارت علمی اثر حاضر را بر عهده داشته‌اند عمیقاً تشکر کنم. همچنین از جناب آقای دکتر حسینعلی قبادی، رئیس محترم پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و همکاران ایشان در طرح جامع اعتلای علوم انسانی معطوف به پیشرفت، به‌ویژه آقایان دکتر یحیی فوزی، دکتر علیرضا ملایی توانی و دکتر سید عبدالرحیم ربانی‌زاده و نیز از دکتر رضا ساکی، معاون محترم وقت دانشگاه فرهنگیان و عضو هیئت علمی دانشگاه شهید رجایی، قدردانی می‌کنم. یاد استاد گرانقدر خود مرحوم جناب آقای دکتر قاسم قاضی که برای تهیه این اثر با ایشان مصاحبه داشتم و اطلاعات ارزشمندی در اختیار بنده قرار دادند را نیز گرامی می‌دارم. در پایان، فرصت سخن در مورد تعلیم و تربیت را مغتنم می‌دانم و از آموزگاران، معلمان و اساتید خود به‌ویژه شادروان مسعود صالحی‌زاده، جناب آقای فتاح شفیعی، جناب آقای دکتر محمد خدایاری فرد و سرکار خانم دکتر الهه حجازی خالصانه سپاسگزاری می‌کنم.

روح‌الله شهابی

r.shahabi@ihcs.ac.ir

فصل یکم

علوم تربیتی؛ معنا، ماهیت و شکل گیری

چیستی علوم تربیتی

گوناگونی نظریه‌ها در مورد معنا و مفهوم تربیت و نیز «علمی» بودن یا نبودن و استقلال یا استقلال نداشتن «علوم تربیتی» از رشته‌های نزدیک به آن، تعریف از این رشته علمی را بسیار دشوار کرده است. به همین دلیل پیش از تعریف علوم تربیتی به عنوان یک رشته دانشگاهی، ضروری است به چالش‌های یادشده به اختصار پرداخته شود:

معنای تربیت

شاید به تعداد نظریه پردازان تعلیم و تربیت بتوان تعریف از تربیت ارائه کرد. برای مثال، نهاد اجتماعی و نظام تربیتی، حاصل عمل معین و فرایند پیونددهنده دو یا چند فرد برای مبادله و دگرگونی‌های متقابل از جمله این تعاریف است. با این حال میالاره (۱۳۹۴) با عبث دانستن تلاش برای ارائه یک تعریف یگانه از تربیت،^۱ کوشش به مشخص کردن «وضع تربیتی» دارد. از نظر وی، وضعیتی را می‌توان تربیتی توصیف کرد که در

۱. میالاره معتقد است جست‌وجوی یک تعریف صحیح و صریح در زمینه تربیت امر بیهوده‌ای است، چراکه منجر به بحث‌های فراوان و بی‌نتیجه خواهد شد و با این کار هرکس از تربیت، آن‌چنان‌که مایل به فهم آن است، دفاع می‌کند و بر تربیتی که با تعریفی که خود به دست داده است تطبیق نکند خرده می‌گیرد (میالاره ۱۳۷۰: ۷).

آن یک فرد یا گروه (مربی) بر فرد یا گروهی دیگر (شاگرد) اثر می‌کند (فرایند تربیتی). وی سپس با تحلیل هر سه عامل، یعنی مربی، شاگرد و فرایند تربیتی، سه ویژگی یک تربیت خوب را شرح می‌دهد: ۱. مجموعهٔ منسجمی از اهداف که مشترکاً از طرف مربی و شاگرد انتخاب و تعریف می‌شوند؛ ۲. انتخاب فرایندهای تربیتی به صورتی که از یک سو با اهداف تعیین‌شده و از سوی دیگر با قوانین زیست‌شناختی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی که بر عمل شاگرد حکم فرماست برابری کند و هماهنگ باشد؛ و ۳. ارزیابی مداوم به‌گونه‌ای که مسیرها را بتوان پیوسته اصلاح کرد و مربی، فرایند و شاگرد را به نحوی بیش‌ازپیش با یکدیگر منطبق ساخت و اهداف انتخاب شده و مجموع منظومه را مورد سؤال قرار داد.

علمیت تعلیم و تربیت

با نگاه به پیشینهٔ تاریخی، روشن می‌شود که علوم تربیتی به‌عنوان یک رشتهٔ دانشگاهی، ابتدا در قالب پداگوژی به‌عنوان بخشی از فلسفه یا الهیات^۱ مطرح شد و روش‌شناسی پژوهشی آن، تأملات نظری درباب تعلیم و تربیت یا راهنمایی‌های عملی برای معلمان و دیگر مربیان، بر اساس تجربهٔ شخصی بود. با این حال در اواخر قرن هجدهم و در نتیجهٔ توسعهٔ علوم طبیعی، روش‌های تجربی به‌منظور تدوین نظریهٔ تربیتی به‌کار برده شد. علی‌رغم آنکه ویلهلم دیلتای^۲، که در آلمان بنیان‌گذار پداگوژی انسانی^۳ شناخته می‌شود، از تلاش برای انتقال جهان‌بینی بر اساس علوم طبیعی و الگوی روش‌شناسی آن به علوم انسانی انتقاد کرده و دیدگاه تفسیری را توسعه داد اما در پایان قرن نوزدهم، شکوفاشدن

1. theology

2. Wilhelm Dilthey

3. humanities pedagogy